

زنان معاون یا زنان مشاور؟ مسئله این است!

حالا که انتخابات تمام شده است و هم و غم نامزدهای دیروز و منتخبان امروز چه در ریاست جمهوری چه در شورای شهر به برنامه‌ریزی و گزینش افراد باصلاحیت، شایسته و کارآمد برای اداره کشور و شهر اختصاص یافته، انتخاب گروه‌های هم‌فکر در جایگاه مشاور و معاون، نخستین اقدامی است که می‌تواند نشان دهد تا چه میزان این منتخبان به تحقق شعارها و وعده‌های خود اهتمام دارند.

استفاده بیشتر از زنان در عرصه اجرایی

چنان که دیدیم و بارها با ادبیات مختلف از زبان نامزدهای مختلف شنیدیم، سهم و نقش زنان در دوران جدید انکارناپذیر است. اگرچه به طور کلی سهم زنان از نامزدی و انتخاب چندان چشمگیر نبوده است و نیست، اگر قرار بر تحقق وعده‌ها باشد، باید در انتظار بهره‌گیری بیشتر از توانایی‌های زنان در عرصه امور اداری و اجرایی باشیم. در همین جا باید به این نکته مهم توجه کرد که زنان توانمند جامعه شایسته احراز مناصب و پست‌هایی بالاتر از موقعیت‌های مشورتی هستند و اگر هدف، افزودن بر حجم مشارکت سیاسی زنان است، باید علاوه بر مشورت، اختیارات تصمیم‌سازی، سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری را نیز برای آنان در نظر گرفت.

تلفیق نیروهای جدید و قدیم

یکی از مهم‌ترین انتقاداتی که این سال‌ها درباره حضور زنان در مشاغل و مناصب سیاسی وجود دارد به کارگیری آن‌ها در جایگاه تشریفاتی و صرفاً مشورتی است که به طور خاص و ویژه نمی‌تواند دستاوردهای چندان برای جامعه زنان داشته باشد. در حقیقت، ایفای نقش زینتی و صرفاً مشورتی بدون اینکه اختیارات اجرایی، اداری و قانونی وجود داشته باشد به مثابه سرپوشی است که خواست و مطالبه زنان جامعه را فقط تسکین می‌بخشد بدون آنکه به طور کامل آن را محقق سازد. این در حالی است که تحقق مطالبه‌های جامعه زنان تنها از ایفای نقش‌های جدی همچون حضور در وزارتخانه‌ها و احراز مناصبی هم‌چون معاونت‌ها میسر می‌شود.

به علاوه با مد نظر قراردادن باور به توانمندی زنان، نباید چنین پنداشت حالا که منتخبان تازه‌نفس به میدان آمده‌اند، عرصه‌ها را لزوماً افراد جدید و افکار نو باید پر کنند. به طور معمول در عرصه سیاست، همواره به استفاده از تجربه سیاستمداران پیشین و به نوعی تلفیقی نیروهای جدید با گروه‌های قدیمی تأکید می‌شود. اهمیت این مسئله به اندازه‌ای است که حتی در برخی کشورها این مسئله به عنوان امری قانونی و الزامی، در به کارگیری سیاستمداران بازنشسته و با تجربه خود را نشان می‌دهد. بر همین اساس، کسانی که در انتخابات نتوانسته‌اند توجه عمومی مردم جامعه را جلب کنند، نباید خود را حذف‌شده از سپهر سیاسی قلمداد کنند. هم‌چنین در آن سوی ماجرا، منتخبان جدید نباید خود را بی‌نیاز از تجربه و سابقه پیشینیان در نظر بگیرند و تمام افراد مورد نیاز خود را از میان جریان‌های هم‌سو با خود و چه بسا تازه‌کار در عرصه سیاست برگزینند.

کسب تجربه سیاسی برای زنان سخت به دست می‌آید

تاکنون سهم زنان از حضور در مناصب پراهمیت و حساس سیاسی بسیار اندک بوده است. بسیاری از نهادهای سیاسی، انتصابی و انتخابی تاکنون زنان را به عنوان عضو و مشارکت‌کننده فعال به خود ندیده‌اند. این در حالی است که زنان همواره در سطوح پایین مشارکت سیاسی بسیار فعال عمل کرده‌اند. چه بسا با تازان این مشارکت فعالانه در سطوح مدیریت و تصمیم‌گیری بتواند بر رضایت عمومی و در نتیجه کارآمدسازی سیاست در جامعه ما بیفزاید. به عبارت بهتر، کسب تجربه سیاسی برای زنان بسیار سخت و دشوار به دست می‌آید و دریغ است از این تجارب سخت به دست آمده چندان که باید بهره‌نگرفت. تجربه‌های زیسته‌ای که در نهایت می‌تواند بر مطلوبیت فضای سیاسی اثر مثبتی داشته باشد.



تبعض مثبت خوب است یا بد؟

در نظر گرفتن نگاه سهمیه‌ای و چیززی که «تبعض مثبت» خوانده می‌شود شاید در کوتاه مدت و مقطعی اثرگذار باشد، اما به ۲ دلیل نمی‌تواند چندان مطلوب جامعه باشد. نخست آنکه پیش فرض هر نگاه سهمیه‌ای این است که آن گروه و جمعیت خاص فاقد توانایی‌های لازم برای رقابت و حضور فعال در سیاست است. این در حالی است که بیشترین موانع حضور فعالانه زنان در عرصه‌های کلان سیاست به انتخاب‌های مقامات سیاسی منتخب برمی‌گردد، هرچند تجربه نگاه سهمیه‌ای برای زنان در برخی کشورها بسیار خوب ارزیابی می‌شود. در این کشورها که مثلاً در صدی را برای انتخاب زنان در قوه مقننه و سایر نهادهای سیاسی در نظر می‌گیرند، حتماً در کنار این سهمیه، شاهد افزودن بر رویه‌های دموکراتیک در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی به نفع زنان هستیم.

دلیل دوم آن است که برای کسب تجربه سیاسی، زنان باید از پله‌های پایین مشارکت سیاسی آغاز کنند. احزاب سیاسی و گروه‌های مدنی فعال در عرصه اجتماعی بهترین درجه‌های ورود زنان به عرصه‌های سیاسی هستند. نباید وضعیت به گونه‌ای باشد که حتی با در نظر گرفتن سهمیه‌های اندک، گزینه‌ای برای احراز پست و منصب وجود نداشته باشد و تنها برای پر کردن آن سهمیه به زنانی که به واسطه پیوندهای فامیلی و خانوادگی به عرصه سیاست راه یافته‌اند متوسل شوند. بر همین اساس، به نظر می‌رسد مشارکت فعالانه در احزاب سیاسی و گروه‌های مدنی بهترین راه برای افزایش تجربه‌های سیاسی است و پس از کسب تجارب لازم، با اعتماد مردم و مقام‌های منتخب، به گونه‌ای تدریجی سهم و نقش زنان در عرصه‌های کلان سیاست‌گذاری افزایش یابد.

فضایی برای حضور زنان کارآمد در سیاست ایجاد کنیم

در نهایت، لازم است به این نکته اشاره شود که جامعه در نتیجه تجربه حضور در انتخابات‌های متعدد و رویدادهای سیاسی گوناگون، از بلوغ و پختگی بیشتری در مقایسه با دهه‌های نخستین پس از انقلاب برخوردار شده است. در این میان، نمی‌توان نقش افزایش آگاهی‌های سیاسی جامعه زنان در نتیجه رشد روزافزون فناوری، اینترنت و سایر رسانه‌ها را از نظر دور داشت. نحوه مواجهه مقامات سیاسی منتخب در آستانه قرن جدید باید متناسب با میزان رشد آگاهی‌های اجتماعی باشد. بر همین اساس، استفاده از توانایی‌ها و ظرفیت‌های جامعه زنان به گونه‌ای گام به گام و هدفمند بسیار منطقی و ضرور است. زنان هم‌اکنون به آن درجه از شایستگی و صلاحیت‌های سیاسی و حقوقی دست یافته‌اند که بتوانند ورای نقش‌های مشورتی، به ایفای نقش‌های جدی به عنوان وزیر و معاون بپردازند. در این مسیر تدریجی، زنان با سابقه و تجربه سیاسی می‌توانند نقشی پیشرو و هدایتگر داشته باشند. حضور این نیروهای ارزشمند سیاسی همراه با پاسداشت و ارج گذاشتن به اقدامات و فعالیت‌های مثبت، البته همراه با نقد‌های احتمالی به عملکرد آن‌ها، می‌تواند فضای مناسبی برای حضور نیروهای جدید، مؤثر و کارآمد از میان جامعه زنان فراهم آورد تا زنان صرفاً در قالب مشاور حضور نداشته باشند و بتوانند در جایگاه‌های قدرتمندتری عمل کنند.



دکتر
محدثه
جزایری

دبیر انجمن
علوم سیاسی
شعبه خراسان

نسیم